



چرا دوچرخه سواری برای بانوان با اکراه پذیرفته می‌شود؟!

پ- ایران

بر اعتبار خویش بیافزاید، شایسته احترام است. این افتخار بس، که بزرگان و اندیشمندان در بزرگی و نقش زن تعمق و عصاره اندیشه‌شان را در کلام جاری کرده‌اند تا در بستر تاریخ، آیندگان به استناد از آن برگیرند. ایرانیان زن فرزانه و شرمگین را شایسته همسری برای مردان هوشیار و دانا می‌دانند. محمد (ص) پیامبر خردمند و پُر تلاش مان، داشتن زن پارسا و آگاه را لایق مادر بودن دانسته است. خمینی عارف نیک اندیش بیان می‌دارد: که «مرد از دامن زن است که به معراج می‌رسد». بزرگان و اندیشمندان حاضر هر کدام به فراخور توان اندیشیدن خویش دوام و پویای جامعه را به میزان فرهنگ و دانایی و پاک‌دامنی زنان مرتبط می‌دانند، پس آنانی که بر اساس نوع شغل بین مردان و زنان تفاوت قایل می‌شوند، سخت در اشتباهند. شاید دوست ندارند، باور کنند که پدید آورنده شرایط و محیط تربیتی و آموزشی خانواده، به ویژه دامن مادر است. مگر این عزیزان نمی‌دانند که چگونه زیستن، اندیشیدن و عشق ورزیدن جامعه از عصاره وجود «زن» است. زمانی که در جایگاه خود قرار می‌گیرد، می‌تواند این رسالت اصیل را، در خون مردان جاری کند. بنابراین چگونه می‌توان انتظار داشت که همین مردان وقتی که در مسند تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند، هاله‌ای

بر اساس مفهوم آیه ۱۳ سوره حجرات: «ما زن و مرد را یک سان آفریده‌ایم، آن چه را که مایه تفاوت ظاهری یک‌دیگر شده است. دلیل بر اختلاف نیست، بلکه تضادی است که به وحدت می‌انجامد...»

بدیهی است زن و مرد، هر دو در ذات، از یک منشاءند در حالی که شکل و وضعیت متضاد دارند. این ظرافت صنع، از درایت صانع است تارعیات هنر کرده باشد، اگر غیر از این می‌بود چگونه می‌توانستیم «مثل» خود را بیافرینیم و خویشتن را جانشین خالق در هستی بدانیم؟! جبر و اختیار را برای خود به میراث گزاریم. دانایی و استقلال را در اندیشه متبلور کنیم. بشریت را به وسیله پندار نیک در جدال با اهریمن مستدام و مستمر داریم.

چه بسا زنان نامداری، مردانی شایسته‌تر از خود را در دامن خویش پرورانده‌اند تا از این طریق اندیشه‌های دانایی را همراه با تعهد و ایمان بانگ‌رشی موحّدانه به فرزندان خود منتقل کنند و بدین‌گونه عشق خدمت به جامعه را متجلی کنند. با مطالعه تاریخ زندگی بزرگان و اندیشمندان ایران و جهان از گذشته‌های دور تا عصر حاضر پی می‌بریم که ریشه تربیت هر نسل، در نقش زن نهفته است. از آن جا که زن در نقش دختر، همسر، مادر به تناسب شرایط محیطی می‌تواند

چه بسا زنان نامداری، مردانی شایسته‌تر از خود را در دامن خویش پرورانده‌اند تا از این طریق اندیشه‌های دانایی را همراه با تعهد و ایمان بانگ‌رشی موحّدانه به فرزندان خود منتقل کنند و بدین‌گونه عشق خدمت به جامعه را متجلی کنند. با مطالعه تاریخ زندگی بزرگان و اندیشمندان ایران و جهان از گذشته‌های دور تا عصر حاضر پی می‌بریم که ریشه تربیت هر نسل، در نقش زن نهفته است. از آن جا که زن در نقش دختر، همسر، مادر به تناسب شرایط محیطی می‌تواند بر اعتبار خویش بیافزاید، شایسته احترام است.



دارد. دولت مردان برای بالا بردن فرهنگ جامعه از طریق رسانه‌های گروهی (صدا و سیما و جراید) با اندیشمندان و صاحبان قلم که به درستی و امانت فرهنگی در میان مردم مشهورند، به این معضل پیانیدیشند. زیرا به جهت هم یاری و هم کاری با دولت مردان و نیز برای رعایت حال اقتصادی هم نوعان، بانوان و مردان از دوچرخه برای حاضر شدن بر سر کارهاشان استفاده کنند.

مردان جامعه ما هم با سعه صدر، زنان را پای در رکاب دوچرخه ببینند زیرا زنان نیز حق دارند از این نوع ورزش سالم در هوای مطبوع محله و شهرشان برخوردار شوند.

بنابراین ما از مسوولین روشن بین و متعهد می‌خواهیم، در عصری که انسان‌های پیشرفته‌تر از ما برای زیستن در کرات دیگر تلاش می‌کنند و سیاره زمین را در اختیار ما قرار می‌دهند. شایسته نیست که برای رسیدن به مقصود در محله‌ها و خیابان‌ها اجازه دهیم، برای یکدیگرهای و هوی به پا کنیم، و اندیشه‌ها را در هاله‌ای از تعصب و تغییر به بحث کشانیم بی آن‌که وجدان مان و اعتقادات مان بر آن مهر تائید گزارد. همان‌گونه که در اعصار گذشته زنان و مردان برای سفر و جابه جایی به‌طور همسان از چهار پایان استفاده می‌کرده‌اند. انتظار می‌رود، مردان شایسته جامعه و شهرمان، خویشتن داری را پیشه خود کند و در این باور، بهتر و والاتر اندیشه کنند و انسانیت انسان‌ها را، فراتر از جنسیت... دانسته، تا سوای از منیت‌ها به جامعه و نسل‌های آینده‌شان خدمت کنند. بی شک مطمئن باشند که بر اعتبار و حیثیت آنان خدشه‌ای وارد نمی‌شود.

در تلخیص کلام از اندیشه والای بانوی پارسا و نامدار «پروین اعتصامی» یاری می‌جوئیم و به تعمق می‌نشینیم:

همیشه دختر امروز مادر فرداست

ز مادر است، میسر، بزرگی پسران
زن نکوی، نه بانوی خانه تنها بود

طیب بود و پرستار و شهنه و دربان
به گاهواره مادر، به کودکی بس حفت

سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان
چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه

شده اند یکسره شاگرد این دبیرستان
رشت - ۷۴/۳/۸

از ناتوانی و تحجّر به دور زنان شایسته بکشند؟! بی شک هر اندیشه‌ای که داشته باشیم، می‌دانیم، زن و مرد، هر دو به تناسب فطرت که خداوند در نهادشان گذاشته است، شایسته تربیت و بایسته بالندگی و سازندگی هستند. اینک در عصری زندگی می‌کنیم که اندیشه‌ها بر اساس دانایی شکل می‌گیرد و هرگونه مخالفتی را که مانع پیشرفت و آگاهی باشد چون تیزاب در خود مستحیل می‌کند.

بنابراین چه ایرادی دارد همه با هم در کنار هم و برای هم به دور از جنگ و نفاق که نمایانگر استعمار نظامی در قدیم و استثمار اقتصادی در دوره میانه، است. برای بقای حیات فرهنگ دانایی تلاش گرانی صمیمی باشیم. شایسته نیست، مردان جامعه که فرهنگ و اعتقادات پیشرفته‌تری را از سال‌های دور به میراث دارند، زن را به عنوان یک موجود، در هاله‌ای از ابهام و ابهام قرار دهند و نگران آن باشند که مبادا زنان در جای پای مردان قدم گزارند. گرچه پیشرفت زمان، این مانع را به کناری خواهد زد، زنان در کنار مردان و دوشادوش آنان برای سازندگی جامعه شان تلاش خواهند کرد. به جهت این که اندیشه شکل نمادین به خود بگیرد در اولین قدم از خود بیرسیم که چرا برای بانوان ایرانی دوچرخه سواری در خیابان‌های شهرشان مقدور نیست؟ مگر همین بانوان به اتومبیل رانی نمی‌پردازند؟ به مانند مردان فعالیت اجتماعی انجام نمی‌دهند؟

نیمی از نیازهای تولیدی و خدماتی و بهداشتی و فرهنگی جامعه را بر دوش ندارند؟

چگونه ممکن است که نتوانند از دوچرخه جهت به صرفه بودن اقتصادی و رعایت بهداشت محیط زیست و نیز رسیدن به موقع در محل کار استفاده کنند؟!

با یکی از صاحب نظران قانون در این پیرامون صحبتی داشتیم و ایشان در پاسخ اظهار داشتند که قانون برای دوچرخه سواری بانوان که با پوشش متعارف اسلامی، باشد، منعی در نظر نگرفته است. اما آن‌چه که ایجاد مشکل می‌کند عرف اجتماعی است زیرا هنوز اکثر مردان جامعه نمی‌توانند بپذیرند که زنان نیز می‌توانند از وسیله‌ای به نام دوچرخه استفاده نمایند. به راستی از کجا باید شروع کرد؟ چگونه می‌بایست نیازها را به عوام تفهیم کرد؟ تا این حرکت معقولانه و باصرفه، موجب اعجاب این عزیزان نشود و سپس آن را انگیزه جدال در خانواده قرار ندهند؟ چه اشکالی